

امام به مأمور ساواک چه گفت؟

۲۵ دی ۱۳۹۵ ساعت ۲۱:۳۹

مأموران تلاش کردند با لگد درب را شکسته و وارد اتاق ایشان شوند. امام بانگ زد «وحشیگری در نیاورید الآن در را باز می‌کنم» مأموران بی‌اعتنا به این هشدار در را شکستند و وارد اتاق شدند. امام مهر امضای خود را به بانو خمینی سپرد و فرمود شما را به خدا می‌سپارم.

در میان اسناد ساواک، نخستین سند از تبعید امام خمینی به ترکیه که به تاریخ ۱۲ آبان ۱۳۴۳ منتشر شده، رئیس ستاد فرماندهی نیروی هوایی رژیم شاهنشاهی به بیان جزئیات پرواز پرداخته است.

به گزارش رجانویز، در این نامه که از رئیس ستاد فرماندهی نیروی هوایی ارتش به رئیس ساواک با طبقه‌بندی سری و خیلی خیلی فوری نوشته شده، از انتقال امام خمینی به آنکارا با یک فروند هواپیمای ۱۳۰ست، خبر داده شده است.

همچنین در سند دیگری که تاریخ صدور آن ۱۶ آبان ۱۳۴۳ است، مأمور اعزامی ساواک در گزارش "خیلی فوری" خود به تهران که خطاب به رئیس ساواک نوشته، اولین سخن امام خمینی در راه تبعید را بیان می‌کند.

این مأمور اعزامی ساواک که سرهنگ افضل‌ی است، در نامه خود می‌نویسد:

«در اجرای امر ساعت ۸ صبح چهارشنبه ۱۳ آبان به اتفاق شخص مورد نظر وسیله هواپیما بطرف آنکارا پرواز نموده اولین صحبت ایشان خطاب به اینجانب در هواپیما این بود که من برای دفاع از وطنم تبعید شدم. پس از سه ساعت و سی دقیقه در فرودگاه آنکارا پیاده شدیم. در سالن فرودگاه یکی از مأمورین امنیتی ترکیه جلو آمد و پس از بیان نام اینجانب و معرفی خود به نام مأمور ابتدا به زبان ترکی سپس آلمانی صحبت نمود. در فاصله کوتاهی به اتفاق شخص مورد نظر و مأمور معرفی شده با اتومبیل و پس از طی ۳۵ کیلومتر به آنکارا رسیده مستقیماً به هتل بلوار پالاس طبقه چهارم اتاق ۵۱۴ که قبلاً آماده شده بود مستقر شدیم. پس از ۲۴ ساعت توقف، چون محل استقرار مشکوک به نظر می‌رسید، بوسیله مأمورین ابتدا محل دیگری انتخاب شد، سپس در ساعت ۲ بعدازظهر پنج‌شنبه ۱۴ آبان به وقت آنکارا با مراقبت کامل به وسیله دو نفر مأمور ترک به محل جدید طبقه ۸ واقع در خیابانی که

اسم آن را نمی‌دانم، منتقل گردیده که وسایل استراحت کاملاً مهیا می‌باشد و نسبت به مکان اول دارای حفاظت بیشتری است.

روحیه شخص مورد نظر نسبت به روز اول بهتر است و در محل جدید برنامه روزانه‌اش بیشتر استراحت و تلاوت قرآن و ادای نماز و صرف غذا است و گاه‌گاهی هم کلمات ترکی را منتشر می‌نماید ولی نباید وی را تنها گذاشت، به‌علت کنجکاوی مخبران جراید ترکیه و خبر منتشره از رادیو ایران و انتشار خبر دیگری در روزنامه مورخ ۵ نوامبر به‌نام GAZETE YENI ترکیه در نظر است تا چند روز دیگر به بورسا یکی از شهرهای ترکیه که در سیصد و شصت کیلومتری غرب آنکار می‌باشد، منتقل گردد.

اما براساس تاریخ‌نگاری حجت‌الاسلام سید حمید روحانی، روز ۱۳ آبان ۱۳۴۳ امام خمینی متعاقب نطق کوبنده‌ای که ۹ روز پیش از آن علیه لایحه کاپیتولاسیون ایراد کردند، بازداشت و به ترکیه تبعید شدند. در لحظات اولیه بامداد روز ۱۳ آبان ۱۳۴۳ صدها کماندو و چتر باز مسلح حکومت شاه منزل امام را در قم محاصره کرده از بام و دیوارها وارد منزل شدند و برای بازداشت امام به جستجوی خانه پرداختند. امام که در آن لحظه در یکی از اتاقهای اندرونی به نماز و دعا مشغول بود از سر و صداها و جست و خیزها دریافت که به منزل وی یورش آورده‌اند. او بیدرنگ لباس بر تن کرد. اما پیش از آنکه کلید درب اتاق را بیاورند، مأموران تلاش کردند با لگد درب را شکسته و وارد اتاق ایشان شوند. امام بانگ زد «وحشیگری در نیاورید الآن در را باز می‌کنم» مأموران بی‌اعتنا به این هشدار در را شکستند و وارد اتاق شدند. امام مهر امضای خود را به بانو خمینی سپرد و فرمود شما را به خدا می‌سپارم.

مأموران مسلحی که سراسر کوچه را اشغال کرده بودند ۴۰۰ نفر بودند. آنان امام را به داخل یک اتومبیل فولکس انتقال دادند و تا سر خیابان بردند و از آنجا ایشان را به یک شورلت که در سرخیابان ایستاده بود، منتقل کردند. وقتی امام از فولکس به شورلت منتقل می‌شد با مشاهده صدها نظامی رو به فرمانده آنان کرد و با لبخند گفت «این همه قوا لازم نبود».

اتومبیل شورلت مسیر ۱۴۰ کیلومتری قم به تهران را در ۹۰ دقیقه طی کرد. در این مسیر اتومبیل فقط یک بار به خواست امام برای انجام فریضه نماز صبح ایشان کنار جاده توقف کرد. پس از آن مستقیماً رهسپار فرودگاه مهرآباد تهران شد. در باند فرودگاه یک فروند هواپیمای سی - ۱۳۰ با موتورهای روشن آماده پرواز بود. یکی از مأموران امنیتی در فرودگاه گذرنامه امام را به دست ایشان داد و گفت: جنابعالی اکنون به ترکیه می‌روید و خانواده شما نیز به زودی به شما ملحق خواهند گردید. امام با هدایت سرهنگ افضلی که قرار بود ایشان را تا ترکیه همراهی کند، از پلکان هواپیما بالا رفتند و در جای مخصوصی که برای ایشان در نظر گرفته شده بود نشستند. سرهنگ افضلی نیز در کنار امام نشست. هواپیما علاوه بر این دو، ۷ خدمه نیز داشت که عبارت بودند از:

۲- سروان جواد حسینی

۳- ستوان یار سوم امین‌الله طلوع بدیعی

۴- ستوان یکم احمد خزری

۵- ستوان یکم نصیر بکلی

۶- استوار عبدالله محمدتقی

۷- گروهان دوم عباس خالدي

وقتی هواپیما به هوا برخاست هنوز خورشید طلوع نکرده بود. به دنبال اوج‌گیری هواپیما امام به سرهنگ افضلی که در کنارش نشسته بود رو کرد و گفت:

«آیا شما می‌دانید که من به جرم دفاع از حیثیت ارتش و استقلال وطنم تبعید می‌شوم؟»

(نزدیک به این مضمون) گویا امام می‌دانست که ساواک سرگرم تنظیم اطلاعیه‌ای است مبنی بر اینکه:

«... چون رویه‌ی آقای خمینی و تحریکات مشارالیه بر علیه منافع ملت و امنیت و استقلال و تمامیت ارضی ایران بود، لذا در تاریخ ۱۳ آبان ماه از ایران تبعید گردید.»

امام مخصوصاً بر کلمه‌ی «استقلال» تکیه می‌کند و به سرهنگ افضلی می‌گوید:

«من به جرم دفاع از استقلال وطنم تبعید می‌شوم.» آقای سرهنگ افضلی که گویا انتظار روبرو شدن با چنین سؤالی را نداشت، بی‌اختیار جابجا شد و با صدایی گرفته پاسخ داد: «تا روزی که به امریکا احتیاج داریم ناچاریم یک سری آوانسهای به آنها بدهیم.»!

امام بی‌درنگ پاسخ داد: «یعنی حتی نوامیس مملکت خود را نیز در اختیار آنان قرار دهیم؟» (نزدیک به این مضمون) سرهنگ افضلی پاسخی نتوانست بدهد، لیکن با حرکت سر گوئی به این پرسش پاسخ مثبت داد!

سرهنگ افضلى در گزارش خود به تهران تنها به آوردن اين جمله بسنده کرده است که: «... اولين صحبت ايشان خطاب به اينجانب در هواپيما اين بود که من برای دفاع از وطنم تبعيد شدم...».

پس از اين صحبت يکي از گارسون‌ها به حضور ايشان آمد و اظهار داشت که: اجازه می‌فرمائيد برای شما چای بياوريم؟! امام خميني رو کرد به سرهنگ افضلى که در کنار ايشان نشسته بود و پرسيد که ايشان (اشاره به گارسون) مسلمانند؟! پيش از آنکه او چيزی بگويد گارسون مزبور به حرف آمد که «اختيار داريد من از خانواده‌ی روحانی و ...» و پدر بزرگ خود را که يکي از علما بوده است معرفی کرد؟ امام خميني با آوردن چای موافقت نمود. پس از نوشيدن چای سرهنگ افضلى پيشنهاده داد که اگر مایل باشيد به داخل کابين هواپيما برويم تا از نزديک دستگاه حرکت و فرود آمدن و اوج‌گيري و ... را مشاهده کنيد. قائد بزرگ با اين پيشنهاده نيز موافقت کرده به اتفاق سرهنگ افضلى به داخل کابين رفتند و تا فرودگاه ترکيه در کابين هواپيما نشستند و از بعضی وسايل و لوازم هواپيما ديدن کردند و پرسشهایی درباره‌ی دستگاه‌های مربوطه و نحوه‌ی عمل آنها نمودند.

هواپيمای نظامی حامل امام پس از سه ساعت و سی دقيقه پرواز، در ساعت ۳۰/۱۱ در فرودگاه آنکارا بر زمين نشست. در سالن فرودگاه، مأموران امنیتی ترکيه که به استقبال آمده بودند، پس از گفتگو با سرهنگ افضلى، امام را به اتفاق نامبرده سوار اتومبيل کردند و پس از طی ۳۵ كيلومتر مسافت فرودگاه تا آنکارا، امام را مستقيماً به هتل بلوار پالاس، طبقه چهارم، اطاق شماره ۵۱۴، که قبلاً آماده شده بود، بردند.

از آنجا که اين هتل در مرکز شهر قرار داشت و مخبرين داخلی و خارجی در آن کشور برای به دست آوردن صحت و سقم شایعه‌ی تبعيد امام سخت کنجکاو شده بودند. امام تنها یک شب را در اين هتل ماندند. سپس مأموران امنیتی ترکيه، به منظور هر چه بيشتر پوشيده نگهداشتن محل سکونت امام، در ساعت ۲ بعداز ظهر روز پنج‌شنبه ۱۴ آبان ماه (۳۰ جمادى‌الثانى) با مراقبت کامل و طرح پيش‌بيني شده، او را به يکي از ساختمان‌های فرعی خیابان آتاتورک به نام fotoetem منتقل کردند.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۱۱۶۱/امام-ساواک-مامور-گفت>